



Shaere.ir

«عاشق مدهوش»

باغی و صفایی و دو تا عاشق مدهوش
بوسی و کناری و تنی تشنه ی آغوش
جامی و شرابی و به لب نغمه ی مستی
پیک است هوا میرود و زمزمه ی نوش
عریان بشود هر چه که در سینه نهان است
تا قامت احساس شود پيله و تن پوش
چنگی بنوازی و به چنگی بنوازی
بر لشکر مویم بزنی نعره ی چاووش
چشمی بگذاری به درختی ، بشماری
پنهان شوم آن سان که رود از سر تو هوش
در سایه ی بید کهنی عهد ببندیم
با تیری و قلبی که شود بر تنه منقوش
گویی که جهان در کف اقبال زمان و
هر همه ای جز سخن عشق فراموش

ستاره فرخی نژاد

۱

